

فلسفه دوازدهم - درس ۴ - کدام تصویر از جهان

ابتدا بررسی مجدد قوانین عالم بر نظام خلقت

۱- قانون علیت ← برقرارکننده ارتباط و پیوستگی بین اجزاء جهان

۲- قانون ضرورت ← واجب‌کننده وجود معلول است - معلول نمی‌تواند از علت تادمه تخلف کند

۳- قانون سنجیت ← ایجادکننده نظم و انتظام در جهان هستی

۴- اصل علت غایی ← علت خاص ← معلول خاص
همه موجودی در سیر تکاملی خویش به سمت هدفی معین حرکت می‌کند.

کلی جهان هستی هم به سمت مقصدی معین روان است

سوال: آیا می‌توان این چهار قانون را نقض کرد؟ (یا انکار کرد؟)

۱- نقض قانون علیت ← یعنی اینکه معلول بوجود آمده است بدون علت
↳ معنای اول ضدغه یا اتفاق

۲- نقض قانون ضرورت ← یعنی علت تامه‌ی یک موجود فراهم آمده اما
ضدغه یا اتفاق
معلول بوجود نمی‌آید (معلول از علت خود تخلف می‌کند)

۳- نقض قانون سنجیت ← بوجود آمدن هر معلولی از هر علتی بدون قانونمندی
↳ نوع دیگری اتفاق
خاص

۴- نقض هدف و غایت در حرکت موجودات عالم ← نوع دیگری ضدغه یا اتفاق
یعنی سیر حرکت موجودات عالم بدون هدف یوده است

همه‌ی این موارد یعنی اتفاقی بودن یا تصادفی بودن حواشی و موجودات

۱- اتفاق به معنای نقض قانون علیت

ماده اولیه جهان ← اتم ها و ذرات تجزیه ناپذیر و غیر قابل تقسیم و سرگردان

نظر دموکریتیوس

← برخورد اتفاقی و تصادفی این ذرات سبب پیدایش

اشیاء فعلی شده است

یعنی بدون علت خاص

و بدون هدف

نظر داروین ← جاندارانی که امروز می بینیم نتیجه ی تکامل ۳٫۵ میلیارد ساله بوده است

و این تکامل اتفاقی بوده است ← یعنی هدفی از پیش تعیین شده نبوده است

نظریه جدید دموکریتیوس نظمی کنونی جهان ← جهان ابتدایی توده ای به هم پیوسته بزرگ بوده

← با انفجار بزرگی این توده پراکنده شده است و به تدریج گسترده شده است و کاملاً اتفاقی نظم موجود در کیهانشانرا ایجاد کرده است

← یعنی بدون هدف قبلی ایجاد شده است

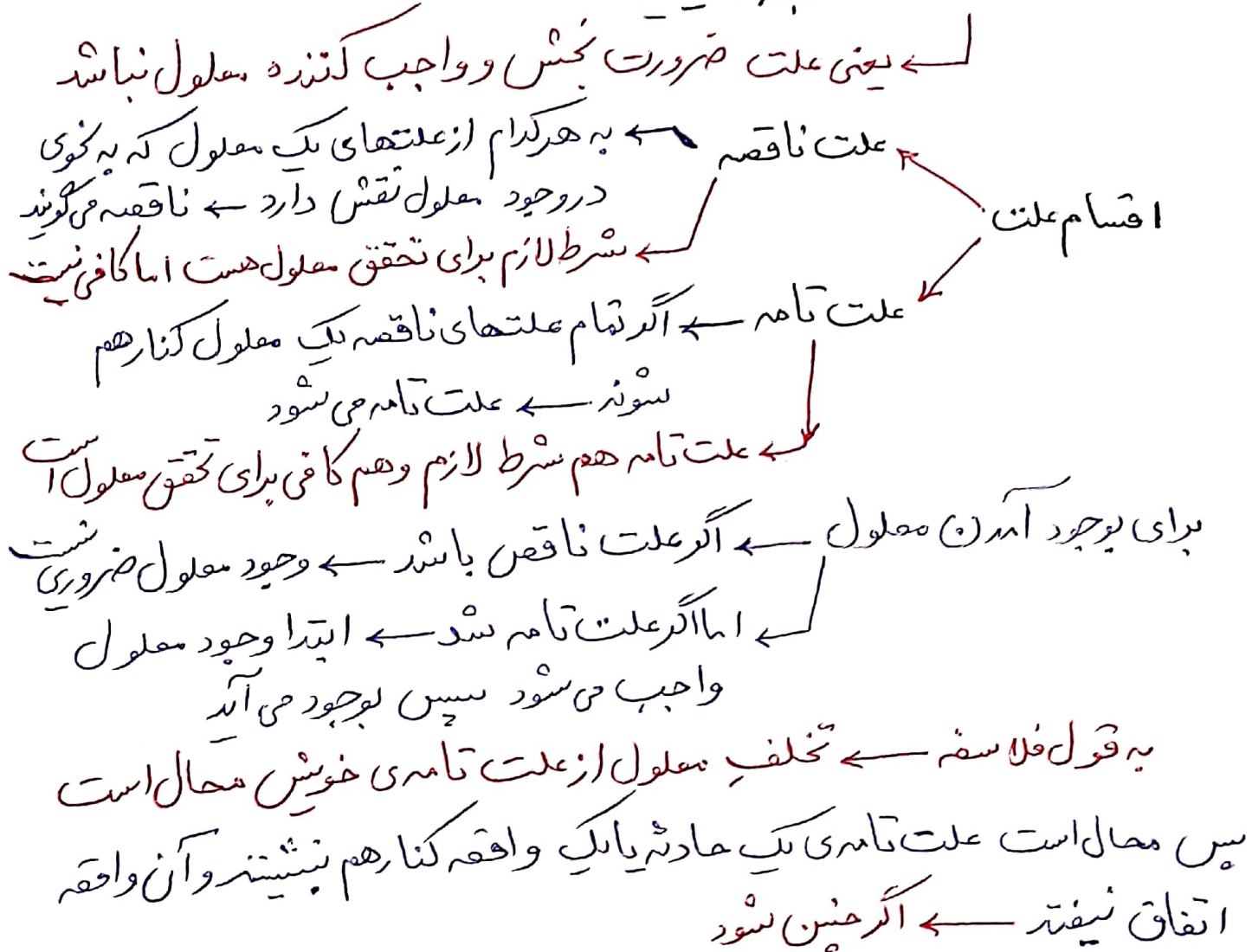
سائنس ← اتفاق افتادن یک حادثه بدون علت (موقفیت یا عدم موفقیت را

بدون توجه به علت آن به سائنس نسبت دادن)

اتفاق به معنای حوادث پیش بینی نشده یا پرخامه ریزی شده

« بررسی دقیق تر معنای اتفاق »

۱- اینکه تمام علت‌های یک معلول کنار هم جمع شوند (علت تامه شود) اما معلول از علت خود تخلف کند و بوجود نیاید



← دیگر هیچ انسانی به نمره کار خویش اعتماد ندارد

و دنبال هیچ کاری نخواهد رفت

اینکه یک کشاورز بزمی کارد و تمام عوامل رشد گیاه را کنار هم می‌گذارد و به امید رشد آن منتظر می‌نشیند ← به خاطر اعتماد به اصل ضرورت علی و معلولی است و یا سایرهای دیگر

یک نکته: بعضی مواقع انسانها از تمام عوامل یک موفقیت آگاهی ندارند و فکر می‌کنند همه عوامل را کنار هم گذاشته است (علت تامه شده است) ← در این صورت فکر می‌کنند که علت نمی‌تواند به معلول یا واقعه ضرورت ببخشد.

۲- آیا می شود معلول از علتی بوجود آید که هم نسخ آن نیست؟

عواقب این موضوع ← امکان پدید آمدن هر حادثه ای از هر علتی

در این صورت انسان به هیچ کاری اقدام نخواهد کرد

چون نمی داند نتیجه این کارها همان خواهد شد که

اوست خواهد

انسان نمی تواند دلیل نظم و هماهنگی در طبیعت را پیدا کند

در این صورت دعوت دانشمندان به کشف علت پدید آمده است

چون نمی دانند از کدام میسر میروند

انکار اصل سنجیت ← بی اعتباری علوم

پزیرش هرج و مرج در عالم

تغی هر قانون مندی در جهان هستی

نداشتن دلیل برای نظم موجود در جهان

۳- داروین می گوید ← تکامل سه میلیارد ساله گره زمین و سر تکاملی چهاراد

به سمت گیاه و حیوان و در نهایت کامل ترین موجود یعنی

انسان شده است.

سوال: آیا این سر تکاملی از ابتدا هدفمند و غایت مند بوده است؟

آیا هدف نهایی این سر تکاملی انسان بوده است؟ یا اینکه این

میسر به صورت اتفاقی به موجودی بنام انسان رسیده است؟

پاسخ متفکرین به علت العفل ← هر چیزی هدفی دارد ← و برای آن سرمنزلی تعیین شده

که کل جهان هستی دارای یک علت حقیقی است

انسان قادر به درک همه اهداف نیستند ← به دلیل محدودیت

پاسخ متفکرین علت العفل ← زنجیره حوادث غایت مند نیست علمی

پیش بینی شده نیست ← اتفاق است